

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هشتم، شماره ۳۲، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۶۰ تا ۷۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

نقش تعیین کننده و حیاتی قوه قضاییه در عمومیت پیدا کردن عدالت در جامعه با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

| رضا حسن نژاد عمرانی* | دانشجوی کارشناسی رشته حقوق موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش
و فارغ التحصیل کارشناسی رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری دانشگاه تبریز.

چکیده

تحقق و گسترش عدالت از اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران است و دستگاه قضایی نیز در این راستا دارای وظایف و مسئولیت‌های ذاتی و قانونی بوه و عدالت قضایی به معنای اجرای صحیح قانون و صدور حکم عادلانه و اجرای عدالت است، به طوری که این مهم هدف نهایی هر دادرسی عادلانه و از مهم‌ترین شاخصه‌های سنجش توسعه اجتماعی و قضایی هر جامعه به شمار می‌رود. هدف قوه قضاییه اجرای عدالت، احقاق حق و رضایت‌مندی مردم است و باید مظهر عدالت و پناهگاه ملت باشد. بنابراین باید در وضع قوانین و صدور حکم به طریقی عمل کرد که نظم در عدالت موجود احکام صادره قرار گیرد. اگرچه یکی از شئون مهم تحقق و گسترش عدالت، فرآیندهای قضایی و مبحث عدالت در محکمه است؛ لیکن باید توجه داشت که مقوله عدالت‌گستری شامل شئون و ساحت‌های مختلفی از جمله عدالت در تقنین، عدالت در اجرا، عدالت در توزیع فرصت‌ها، عدالت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود. بر این اساس، توصیه‌های هوشمندانه و دقیق رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) درباره وظایف دستگاه قضایی و تأکیدات ایشان بر ضرورت ایجاد اطمینان عمومی و عدالت در جامعه نسبت به دستگاه عدلیه، وظیفه قوه قضاییه را در رسیدن به جایگاه مطلوب سنگین‌تر نموده است. بی‌تردید خواسته دایمی معظم‌له مبنی بر اینکه دستگاه قضا به عنوان ملجأ و پناهگاه مظلومان باشد، باید همواره مطمح نظر همه مسئولان قضایی قرار گیرد. **واژگان کلیدی:** مقام معظم رهبری، قوه قضاییه، اجرای عدالت، احقاق حق، آزادی فردی.

* نویسنده مسئول: reza.hassannezhadomrani4001@gmail.com

مقدمه

بالاترین ارزش اخلاقی برای هر انسان اجرای عدالت است و پرداختن به سهم عدالت در قانونگذاری و قضاوت اهمیت زیادی دارد. در اسلام، قضاوت برای احقاق حق و عدالت در دستور کار قرار گرفته و یکی از مسئولیت‌های دولت و امت، تحقق عدالت در همه ابعاد آن دانسته شده است. خداوند متعال در قرآن کریم بارها بر اجرای عدالت تأکید فرموده و در آیات مختلف واژه‌هایی مانند: عدل، قسط و میزان به کار برده شده که از آن جمله آیه ۵۸ از سوره شریفه نساء که از این قرار است: «و إذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل». عدالتی که به معنای کنار هم نگه داشتن آزادی‌های فردی و ایجاد فرصت‌های برابر برای افراد است. این همان عدالت اصلاحی که در سطح دادگستری صورت گرفته و نظام قضایی مستقل و رویه‌های عادلانه محمل اجرای این سطح از عدالت است. البته عدالت قاضی با عدالت در قضاوت دو مقوله جدا از یکدیگر هستند، به طوری که عدالت قاضی لازمه و زمینه‌ساز عدالت در قضاوت است. از منظر قانون اساسی، در دسترس بودن دادگاه، حاکمیت قانون، استقلال قضایی، اتقان دادرسی، برابری طرفین و رعایت حقوق دفاعی اشخاص، مهمترین شاخصه‌هایی است که به واسطه آن می‌توان میزان تحقق عدالت در دستگاه قضایی را سنجش و ارزیابی کرد. (مسعودیان، ۱۳۹۸: ۱۰۳) وجود عدالت قاضی در بحث اجرای عدالت، زمانی اهمیت پیدا می‌کند که، بحث روش‌های تفسیر قانون، به میان آید. به خوبی پیداست که در این باره، قضات محور کار هستند و اوج این محور بودن در تفسیر قوانین جهت صدور رأی است. ابزاری که در تفسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد، اگر ابزار درست و پویا و قابل قبولی باشد، کاری که انجام می‌گیرد، منبع و مأخذ می‌شود و نام رویه قضایی به خود می‌گیرد. قاضی در کار قضاوت نباید اشتباه کند، کسی که جان و مال و حیثیت و شرف افراد جامعه به او سپرده شده، نمی‌تواند با تصمیمات خود، افراد را در معرض خطر قرار دهد و بعد خود را معذور بداند. علاوه بر جهات تقوایی و معنوی که لازمه کار قضایی است، قضات باید پیوسته در پیشبرد درجه علمی تلاش نمایند. عامل دیگری که لازمه ایفای عدالت است، پرهیز از سیاست و پافشاری در استقلال رأی بر مبنای عدالت است، دشمنی‌ها نباید قضات را به بی‌عدالتی بکشاند. شأن و شرافت قاضی در این است که نه تابع دستور قرارگیرد نه تابع سیاست و تنها چیزی که او را هدایت می‌کند، همان ندای وجدان و ندای انجام وظیفه باشد. از جمله اقدام‌های مؤثر و ضروری برای رسیدن به دادرسی عادلانه در دستگاه قضا طراحی ساختار منحصر به فرد برای تشکیلات قضایی با توجه به شیوه قضاوت حضرت امام علی (ع) است. (موسوی بجنوردی و روحانی، ۱۳۹۱: ۴۰) طبق فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، برای دستگاه قضایی مهمتر از همه چیز، اجرای عدالت و قانون است و نظام قضایی اسلام کارآمدترین وسیله‌ی تحقق این هدف متعالی است. تقویت دانش قضایی و گزینش اشخاص صالح در مجموعه‌های قضایی و اداری، و برنامه ریزی دقیق همراه با نظارت مستمر بر اجزاء این دستگاه بزرگ، و نیز حفظ عزت و حرمت قضات، لوازم اصلی برای تحقق آن مقصود به حساب می‌آیند. بنابراین در این مقاله، نقش تعیین کننده و حیاتی قوه قضاییه در

عمومیت پیدا کردن عدالت در جامعه با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی) را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مفهوم عدالت قضایی

عدالت کمال مطلوبی است که انسان اجتماعی برای نیل به آن هیچگاه فراغت نمی‌یابد. قوه قضاییه همان نهاد هدفمندی است که سرآمد آن عدالت و انصاف می‌باشد. بنابراین مشروعیت امور قضایی از رسیدگی تا صدور حکم باید مبتنی بر اصول انصاف و عدالت باشد تا از طریق آن وجدان عمومی آراش یابد. (هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۷۷) در این راستا عدالت قضایی عبارت از آن است که کلیه افراد و اشخاص جامعه به طور یکسان و بدون تبعیض ناشی از وضعیت طبقاتی یا موقعیت اجتماعی یا وضعیت عقیدتی و سیاسی به طور یکسان از خدمات قضایی دادرها و دادگاه‌ها استفاده کنند. قواعد حقوقی باید به اندازه‌ای صریح باشد که دادرس را در اجرای آن دچار تردید نسازد و در عین حال به او مجال توجه به اوضاع و احوال خاص هر دعوا را بدهد و راهی برای اجرای عدالت باز بگذارد، به همین منظور باید قانونگذار را به اصول حقوقی واحد از پیش تهیه شده و هماهنگ با اصول حاکم بر دادرسی ملزم نمود. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۷۴) در ادبیات قضایی، قضاوت عادلانه به معنای داشتن وصف بی‌طرفی و درستی، آزادی از تعصب و جانبداری و نفع شخصی، رعایت انصاف و برابری میان منازعه به کار برده می‌شود. (فضائلی، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۰) قاضی در اتخاذ تصمیم باید خود را در وضعیتی احساس نماید که از هیچ چیز نهراسد و منحصرأ قانون و وجدان را حاکم نماید. استقلال قاضی ایجاب می‌نماید که وی تحت تأثیر افکار حاکم بر جامعه قرار نگیرد، گرچه معیار عدالت در رأی قاضی قانون، و مقررات موضوعه است نه عرف جاری، ولی عدم مقبولیت کار دستگاه قضایی نزد مردم، زنگ خطری است برای مسئولین دستگاه قضایی که نقص کار را دریافته و چهره موجهی از خود در اذهان عموم مردم باقی گذاشته و همچنان به، عنوان محل امن اجرای عدالت باشد. پس باید به هر دو اصل استقلال و بی‌طرفی قاضی و توجه به جریان فکری جامعه و احترام به ندای مردم، توجه کرده و سعی در جمع کردن این دو داشت. علاوه بر اینکه ایجاد امنیت قضایی عادلانه و تساوی عموم در برابر قانون به روشنی، دلالت بر لزوم بی‌طرفی در دادرسی دارد، رفع تبعیض و حفظ کرامت انسانی هم، از زیربناهای بی‌طرفی در دادرسی است. مبنای اصل ۱۵۶ قانون اساسی را باید در برابری افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به هیأت حاکمه نزد قانون و قضا، جستجو کرد. به بیان دیگر، قانون و قضا باید از افراد به گونه‌ای یکسان حمایت کنند و هیچ فردی در این زمینه نسبت به دیگری برتری ندارد. حق برابری افراد یکی از مصداق‌های حقوق بشر است. این حق مقدم بر قانون بوده و برتر از آن است. این برابری اقتضاء دارد که چه در مرحله قانونگذاری و چه در مرحله قضا با افراد، بی‌طرفانه رفتار شود. اصولاً طرفداری مفهوم نابرابری را در بردارد. منظور از اصل برابری، برابری حقوقی یعنی برابری در بهره‌مندی از حق و تکلیف است و نقض آن، موجب تبعیض میان افراد در بهره‌مندی از حقوق و تکالیفشان می‌شود. (ناجی، ۱۳۸۵:

نقش قوه قضاییه در تحقق عدالت و احیاء حقوق و آزادی‌های فردی

تحقق عدالت، حقوق و آزادی‌های فردی، مطالبات مهم و اساسی افراد جامعه است که از بدو خلقت مورد خواست و نیاز عامه مردم بوده است. در دین مبین اسلام بر اجرای عدالت و قضاوت شایسته، تأکیدات فراوانی شده است. به همین دلیل در سایه برقراری محاکم شایسته، عدل گسترش می‌یابد و حقوق عامه احیاء می‌شود. احیاء و اقامه حقوق عامه بدین مفهوم است که قوه قضائیه نباید بنشیند تا حقی ضایع و آن گاه درصدد استیفای حق بر آید. بلکه کلمه احیاء اقامه حقوق، قبل از تضييع حقوق است. به تعبیر روشن‌تر، بدون این‌که شاکی خصوصی وجود داشته باشد، دستگاه قضایی به نیابت از جامعه، می‌بایست از حقوق مردم دفاع و از آن صیانت نماید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به مثابه تمام کشورهای جهان، و با رویکرد مذهبی و بهره‌گیری از آموزه‌های تعالیم و شریعت اسلام، به حقوق و آزادی‌های افراد اشاره و بر اجرای صحیح آن تأکید گردیده است. در قانون اساسی، اختصاص فصل مستقلی به حقوق ملت، بیانگر اهمیت این حقوق و اراده واضعان قانون اساسی، با تأکید بر حقوق و تکالیف مردم و دولت، و تحقق و تعمیق مطالبات قانونی و آزادی‌های ضروری و عمومی است. اهمیت عدالت و حقوق فردی افراد جامعه تا جایی است که در ابتدای این اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه، پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت، معرفی گردیده است. بدین ترتیب، این قوه علاوه بر وظایف قضایی مقرر در قانون اساسی، با تکالیف احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، و پشتیبانی از این حقوق، مواجه است. (مردانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۳) همچنین اصول دیگر قانون اساسی در باب حقوق و آزادی‌های فردی از جمله اصل هشتم، نهم، بیست و دوم، چهل و سوم، چهل و ششم، چهل هفتم، پنجاه و ششم، پنجاه و نهم، هشتاد و چهارم، هشتاد و نهم، نودم، یکصد و چهاردهم، یکصد و بیست و دوم، یکصد و پنجاه و ششم، یکصد و پنجاه و نهم، یکصد و شصت و پنجم، یکصد و شصت و هشتم، یکصد و هفتاد و سوم، یکصد و هفتاد و چهارم، و صراحتاً حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی مورد تأکید قرار گرفته است. لازم به ذکر است اجرای آنچه که تحت عنوان عدالت، حقوق و آزادی‌های فردی بر آن تأکید گردیده، از تکالیف دولت به مفهوم عام ذکر شده است. مطابق اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، وظیفه احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، بر عهده دستگاه قضایی کشور محول شده است. حاله این وظیفه خطیر، صرفاً به یک قوه حاکمیتی در کشور، به مفهوم نادیده گرفتن ظرفیت و نقش سایر قوا در این عرصه، به ویژه ظرفیت عظیم قوه مجریه در اجرای این حقوق می‌باشد. چرا که رئیس جمهور مجری قانون اساسی است و صرفنظر از فصول مختلف قانون اساسی، ملزم به فراهم نمودن زمینه لازم جهت برخورداری عامه مردم، از مزایا، منافع و حقوق پیش بینی شده در قانون اساسی می‌باشد. هر چند که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به موضوع تفکیک قوا اشاره شده است، اما این موضوع، به مفهوم بی‌توجهی و عدم مسئولیت سایر قوا و نهادها، نسبت به وظایف حاکمیت نمی‌باشد، چرا که صلاحیت‌های مبتنی بر حاکمیت، میان قوا تقسیم شده است و هیچ یک از قوا نباید خود را مبرا از مسئولیت در وظائف دولت به مفهوم عام بداند. لازمه تحقق

اهداف عالی‌تر مقرر در قانون اساسی، مستلزم همکاری و تعامل قوا با یکدیگر است. هر چند که برخی از وظائف عام مندرج در قانون اساسی، معطوف به یکی از قوا گردیده است، لیکن تعیین یک قوه برای وظایف عامی هم‌چون احیای حقوق عامه و گسترش عدل، به منظور تعیین متولی خاص برای این منظور بوده و نافی مشارکت و استفاده از پتانسیل و ظرفیت سایر قوا نمی‌باشد و چه بسا بدون همراهی و تعامل سایر قوا، این مهم محقق نگردد. عدم پیش‌بینی و تصریح نام سایر قوا در وظائف خطیری هم‌چون، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، نظارت بر حسن اجرای قوانین، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین، به منزله سلب مسئولیت دیگر قوا و توجه کامل مسئولیت به سمت و سوی قوه قضائیه نمی‌باشد. بدین ترتیب نهادهای مرتبط، می‌بایست به فراخور اهداف و رسالت سازمانی خود، نقش و سهم به‌سزایی در این زمینه ایفاء و یاری‌رسان قوه قضائیه در پیشبرد این وظائف عمومی و مهم باشند که غالباً مورد غفلت قرار گرفته است و نتیجه آن نیز ضعف در تحقق اهداف و وظائف نهایتاً نادیده انگاشتن حقوق افراد می‌گردد. قوه مقننه نیز با وضع قوانین متناسب و منطبق با نیازهای روز جامعه، قادر خواهد بود تا نقش مناسب خود را در تعیین چارچوب‌ها و حد و مرزهای قانونی این حقوق و آزادی‌ها، و فراهم نمودن بستر قانونی لازم، ایفاء نماید. (برزویی، ۱۳۹۹: ۱۵۲)

معیارهای ایجاد عدالت قضایی

ایجاد عدالت در بین افراد جامعه، نیاز به تعیین و اجرای راهبردی سیاست، هدف و برنامه‌های جامع و منسجم در کل حاکمیت و به خصوص نظام قضایی دارد تا از طریق آن‌ها «کارآمدی»، «کیفیت» و «استقلال» در نظام قضایی شکل گرفته، عدالت قضایی و احساس آن ایجاد شود. به این مجموعه اقدامات و فرآیندها که غالب موارد آن نیز باید در دستگاه قضایی محقق شود، «سازمان دهی احساس عدالت قضایی» اطلاق می‌شود. کارآمدی متمرکز بر تحقق اهداف و کارکردها است. کیفیت به بهره‌وری و ارتقای کیفی خدمات قضایی و ارائه آن نگاه دارد و استقلال تأمین‌کننده عدالت دادرسی‌ها در مفهوم اخص آن است. بر این اساس، معیارهای مستقیم، شامل شاخص‌هایی است که به‌طور مستقیم به برونداد عملکردی سازمان قضات (دستگاه قضایی) مربوط می‌شود و به بیان ساده‌تر شاخص‌هایی است که باور مردم نسبت به محقق شدن یا نشدن عدالت قضایی در دستگاه قضایی در بعد عینی و واقعی آن را نشان می‌دهد. کارگزاران نظام قضایی، یعنی مدیران قوه، قضات و کارکنان در محقق ساختن این شاخص‌ها و متعاقب آن به وجود آمدن احساس وجود این شاخص‌های مرتبط با عدالت قضایی در پندار ذهنی اعضای جامعه، نقش اساسی را ایفا می‌کنند. بنابراین نظام قضایی مؤثر و موفق باید سه مؤلفه اساسی را در نظر داشته باشد: کارآمدی، کیفیت و استقلال نظام قضایی. بهبود کیفیت، استقلال و کارآمدی نظام‌های قضایی. معیارهای غیرمستقیم، به صورت ناخودآگاه بر ایجاد یا سلب احساس عدالت قضایی و ارتقا یا کاهش آن تأثیر می‌گذارند. فقدان ناامنی و وضعیت بی‌ثبات اقتصادی، وجود

امنیت و سطح مناسب فرهنگ اجتماعی به صورت غیر مستقیم در ایجاد احساس عدالت قضایی نقش دارد.

نقش قوه قضاییه در ایجاد عدالت با توجه به اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس، مسئولان و جمعی از قضات و کارکنان قوه قضاییه، «عدالت» را محور اساسی دستگاه قضا خواندند و با ابراز خرسندی از اقدام رئیس قوه در تهیه برنامه‌ای خوب برای ایجاد تحول در این دستگاه، «اجرای زمان‌بندی‌شده، شجاعانه و متکی بر روش‌های مبتکرانه این برنامه» را کاملاً ضروری برشمردند و با تجلیل از ایستادگی تحسین برانگیز چهل ساله مردم در مقابل زورگویان جهانی افزودند: ملت مظلوم و مقتدر ایران، در مقابل فشارها، تهمت‌ها و اهانت‌های شریرت‌ترین حکومت جهان یعنی امریکا از اهداف خود کوتاه نمی‌آید و مسیر انقلاب و امام را برای دستیابی به عزت، رفاه و پیشرفت و سرافرازی ادامه خواهد داد.^۲ ایشان با اشاره به تهمت و بدگویی و تعرض به قوه قضاییه به‌ویژه در فضای بی‌در و دروازه مجازی خاطرنشان کردند: در طول تاریخ، امیرمؤمنان یعنی مظهر کامل عدالت را هم به بی‌عدالتی متهم می‌کردند، بنابراین فضا سازی و تهمت نباید در عزم و اراده و فعالیت‌ها تأثیر منفی بگذارد. رهبر انقلاب «تصورسازی از قوه قضاییه در افکار عمومی» را بسیار مهم خواندند و افزودند: باید در این زمینه کاملاً مراقب و هوشیار بود، چرا که برخی حوادث ممکن است خصوصیات یک قوه قضاییه خوب یعنی شرافت، صداقت و عدالت را در چشم مردم، بر عکس جلوه دهد. ایشان می‌فرمایند: عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی این که برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت به معنای این است که کسانی که در زیر سایه سنگین نظام طاغوتی از حقوق خود محروم ماندند، به حقوق‌شان برسند. عدالت، یعنی این که عده خاصی برای خودشان حق ویژه‌ای قائل نباشند. عدالت، یعنی این که حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا براساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقل‌های مادی و منحرف از معنویت توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است.^۳ تکیه بر عدالت اساسی‌ترین و محوری‌ترین اصل یک حرکت الهی است، ادامه کار همه انبیاء و مصلحان بزرگ تاریخ است. البته عدالت دشمنانی دارد. همه کسانی که نانشان در بی‌عدالتی است، با عدالت دشمن‌اند. همه کسانی که با قلدری و زورگویی چه در صحنه ملی، چه در صحنه بین‌المللی تغذیه می‌شوند، با عدالت مخالفند. عدالت، شعار اصلی و

^۲ بیانات در دیدار رئیس، مسئولان و جمعی از قضات و کارکنان قوه قضاییه ۱۳۹۸/۰۴/۰۵

^۳ بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت سالروز ولادت امام زمان (عج) - ۱۳۶۸/۱۱/۲۱.

هدف بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده و هست.^۴ ایجاد تناصف؛ مفهوم و معنای واقعی عدالت اگر عدالت شد، آن وقت پیش خدا و پیش نفس خودمان و پیش خلق هم سرفراز خواهیم بود. یعنی وقتی ما عدالت را اجرا کنیم، درست است که در قضاوت ما یک نفر خرسند خواهد شد و یک نفر ناخرسند، اما حتی آن طرف ناخرسند هم در دل خود راضی است. اگر چنانچه عدالت را به خرج ندادیم، آن کسی هم که حکم ما به سود او بوده است، در دل به ما با بی‌اعتقادی، با استهزاء نگاه خواهد کرد. در دل به ما خواهد خندید. مسئله اساسی این است. این را باید در قوه قضاییه تزریق کرد دائماً. باید این روحیه را در سراسر قوه قضاییه پمپاژ کرد که ما وظیفه‌مان تناصف است، ایجاد عدل است.

قانون‌گرایی و عدالت (تعریف و ملاک عدل): در مورد قسط مطرح کردیم که ملاکش اجرای احکام الهی است. به نظر من، قانون‌گرایی در قوه قضاییه، اهم امور است. اصلاً ملاک عدل و اقامه آن، قانون است. اگر چیزی بر طبق قانون تحقق پیدا کرد، عدالت است و خلاف عدالت آن است که برخلاف قانون انجام بشود اصلاً. ما که می‌گوییم باید در قوه قضاییه جامعه اسلامی و یا در هر جامعه دیگر عدل اجرا بشود، یعنی ما یک سری قوانین را معتبر می‌دانیم و آن را در وسط می‌گذاریم و همه چیز را با آن می‌سنجیم و هر چه که بر قانون منطبق شد، عدل است و هر چه که منطبق نشد، عدل نیست.^۵ در مورد قوه قضاییه آنچه که مهم است، این است که ما ببینیم قوه قضاییه برای چیست، آن را تأمین کنیم. همه کارها در این جهت باید باشد. قوه قضاییه برای عدل است، برای عدالت است. معیار و شاخص عدل هم عمل به قانون است. اگر عمل فرد، جمع، منطبق به قانون شد، این عدالت است؛ اگر از قانون انحراف پیدا کرد، این بی‌عدالتی است و قانون هم در نظام اسلامی، قانون اسلامی است. البته در مجموعه قوانین ما ممکن است قوانینی باشند که صددرصد با احکام اسلامی منطبق نباشند، یا قوانینی که از قبل مانده‌اند یا برخی قوانین دیگر، که اینها باید اصلاح بشود. معیار، این است که بر طبق قانون عمل بشود. عدل، اینجا تحقق پیدا می‌کند.^۶

راه تأمین عدالت: سخت‌ترین قسمت عدل هم عبارت است از آنجایی که طرف مقابل عدل، اقویا هستند، زیر بار نمی‌روند، زور می‌گویند، متوقعند. اینجا باید ایستادگی کرد. هنر قاضی این است، استقلال قاضی این است که در یک چنین مواقعی، فقط و فقط خدا را و مرّ قانون را در نظر بگیرد. در همه قضایای قضایای فردی، قضایای اجتماعی - اگر قانون ملاک عمل باشد، عدالت تأمین می‌شود

اجرای عدل اسلامی در کلیه امور قضایی، اقتصادی: اگر ما نتوانیم قضای اسلامی به معنای واقعی را در جامعه پیاده کنیم و عدل اسلامی را در دستگاه قضاوت و حکومت‌مان نشان دهیم و نتوانیم زمینه‌های تداول ثروت بین اغنیا را که اسلام آن را منع کرده است، با نظام اقتصادی درست در

^۴ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام - ۱۳۸۴/۵/۱۲.

^۵ بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت شهادت آیت‌الله مدنی - ۱۳۶۸/۶/۲۰.

^۶ بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت هفته قوه قضاییه - ۱۳۸۸/۴/۷.

جامعه اسلامی از بین ببریم و نتوانیم اخلاق و ارزش‌های اسلامی را در جامعه مجسم و محقق کنیم، در نتیجه نظامی با پرچم و اسم اسلام، اما با حقیقت و معنای غیراسلامی و احیاناً جاهلی خواهیم داشت؛ که هر چیز غیراسلامی باشد، جاهلی است؛ «فماذا بعدالحق الا الضلال». اگر خدای ناکرده چنین شد، ما همان مؤذن بدصدایی خواهیم بود که صدا و آهنگ ناخوش ما، به جای آن که به اسلام عزت و آبرو ببخشد آن را دچار سرشکستگی خواهد کرد.^۷ مسئولان باید همت کنند تا بتوانند این عدالت مورد نظر اسلام را در همه ابعاد در ابعاد قضایی، در ابعاد اقتصادی، در تقسیم منابع ثروت ملی و فرصت‌های گوناگون و در همه چیزهایی که در کشور برای انسان‌ها اهمیت دارد اجرا کنند. در هزینه بیت‌المال، در استفاده شخصی، در عزل و نصب و در همه کارهایی که یک مسئول در قوای سه‌گانه چه در قوه مجریه، چه در قوه قضاییه و چه در قوه مقننه می‌تواند انجام دهد، باید هدف، اجرای عدالت، و روش، روش عادلانه باشد.^۸

اجرای عدالت، مبنای همه تصمیمات: در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی، به‌خصوص رده‌های سیاستگذاری و کارشناسی و تا قضات و اجرای دستگاه قضایی باید به جد و جهد و با همه اخلاص، درصدد اجرای عدالت در جامعه باشند.^۹ اجرای حدود الهی و استقرار عدالت، دو وظیفه مهم قوه قضاییه: در واقع، در جامعه اسلامی، قوه قضاییه همین دو وظیفه را دارد: اجرای حدود الهی، استقرار عدالت. بدیهی است استقرار عدالتی که قوه قضاییه می‌کند از طریق قضاست؛ والا دستگاه اقتصادی کشور هم موظف به استقرار عدالت است؛ دستگاه سیاسی نیز همین طور؛ همه دستگاه‌ها نیز همین طور. این دستگاه، از طریق قضاست که می‌تواند همه جا را سالم کند.^{۱۰}

آثار استقرار عدالت قضایی: قوه قضاییه باید اساس کار را بر این قرار بدهد که در جامعه، قوانین و مقرراتی که ضامن تأمین عدالت است، به طور کامل اجرا شود. قوه قضاییه نباید یک مورد تخلف را هم نادیده بگیرد. اگر استقرار عدالت به وسیله قوه قضاییه انجام بگیرد، همه کارها درست خواهد شد. تبلیغ مبلغ بجا، فعالیت فعالان کشور مثمر و تولید ثروت و انبوه شدن ثروت در کشور، به سود همه انجام خواهد شد. چنانچه قوه قضاییه نتواند این وظیفه عمده یعنی استقرار عدالت مبارزه با ظلم و مبارزه با تجاوز و تعدی را به طور کامل انجام بدهد، این نتایج بر آن کارها مترتب نخواهد شد، بلکه نتایج منفی و سوء و در نهایت انحراف جامعه از مسیر اصلی خود پیش خواهد آمد.^{۱۱}

^۷ بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد - ۱۳۶۸/۴/۲۰.

^۸ بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران - ۱۳۷۹/۱۲/۲۶.

^۹ بیانات مقام معظم رهبری در مراسم مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) - ۱۳۷۰/۳/۱۳.

^{۱۰} بیانات مقام معظم رهبری در دیدار قضات و اعضای دستگاه قضایی - ۱۳۷۱/۱۰/۲۳.

^{۱۱} بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان قوه قضاییه و خانواده‌های شهدای هفتم تیر - ۱۳۷۶/۴/۷.

رفع تشنگی مردم نسبت به عدالت: مردم تشنه عدالتند، تشنه حقیقتند، دشمن فسادند، مردم اینها را می‌خواهند و آراء و شعارهای مردم هم همین را نشان می‌دهد. ما وظیفه داریم در این زمینه‌ها کار کنیم. مسئولان کشور باید آنچه را که مورد نیاز این ملت هست، بفهمند و درک کنند و آن را انجام بدهند.^{۱۲}

توأم نمودن عدالت با عقلانیت و معنویت: من می‌خواهم این نکته را هم عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت درهم تنیده است، یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود، اصلاً عدالت نخواهد بود.^{۱۳}

عدالت و حق‌گرایی: بعضی‌ها می‌خواهند با عنوان تندروی، عدالت را متهم و محکوم کنند. عدالت تندروی نیست؛ حق‌گرایی است؛ توجه به حقوق آحاد مردم است؛ جلوگیری از ویژه‌خواری است؛ جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان است.^{۱۴}

لزوم حاکمیت تقوا: اگر بخواهیم عدالت در قوه قضاییه جریان دائمی و عمومی و فراگیر پیدا کند، باید تقوا و نگاه بی‌طرفانه در حوادث کوچک و بزرگی که به قوه قضاییه ارجاع می‌شود، حاکم شود؛ این را باید همه رعایت کنند، از بالا تا پایین. این یک نکته بسیار مهمی است. این، اعتماد ایجاد خواهد کرد.^{۱۵}

آنچه که تضمین‌کننده است، تقواست. تقوا این است که ما مراقب حرفمان، مراقب کارمان، مراقب جهت‌گیریمان، مراقب رفتارمان باشیم. کوچکترین اعمال ما ثبت می‌شود؛ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» و «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ». اعمال ما، گفتار ما، الفاظ ما همه ثبت می‌شود؛ بعد ما را به سؤال و جواب می‌کشند. دادگاه عدلی وجود دارد که در آن دادگاه عدل باید انسان جواب بدهد. زیر جواب می‌مانیم. تقوا یعنی همین را رعایت کنیم، همین را مواظبت کنیم.^{۱۶}

نتیجه‌گیری

عدالت قضایی از جمله حوزه‌های مهم عدالت اجتماعی و در جهت رعایت حقوق قانونی و شرعی اصحاب دعوا در فرایندهای مختلف دادرسی است. ارتقاء دستگاه قضایی به منظور تحقق عدالت قضایی در جامعه مهمترین هدف بوده و قوه قضاییه موظف به اجرای عدالت در راستای قانون اساسی و سایر قوانین است. لذا انتظار می‌رود که اختلافات را به شیوه‌ای عادلانه با هدف حمایت از حقوق و آزادی‌های همگان حل و فصل کند و از این طریق دستیابی به حاکمیت ایده آل قانون را تسهیل کند. عملکرد مطلوب قوه قضاییه به عنوان یک سیستم مهم و مؤثر برای اجرای عدالت،

^{۱۲} بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت هفته قوه قضاییه - ۱۳۸۴/۴/۷.

^{۱۳} بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت هفته دولت - ۱۳۸۴/۶/۸.

^{۱۴} بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی‌نژاد - ۱۳۸۴/۵/۱۲.

^{۱۵} بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت هفته قوه قضاییه - ۱۳۹۰/۴/۶.

^{۱۶} بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت هفته قوه قضاییه - ۱۳۹۰/۴/۶.

پیشگیری از وقوع جرم و رسیدگی قضایی، بر سایر قوه‌ها تاثیرگذار است. در حال حاضر، این قوه با آسیب‌های جدی مانند حجم بالای پرونده‌ها، عدم اتقان آرای صادره، فرآیند زمانبر رسیدگی به پرونده‌ها، فرآیند ناکارآمد کارشناسی، شاهدان دروغین و ناکارآمدی فرآیند ابلاغ و کارشناسی، مواجه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مبنای قواعد نادرست و چارچوب‌های مدیریتی نامناسب به ایجاد و تشدید این مشکلات منجر شده است. بنابراین ایجاد نهادهای نظارتی، از بین بردن وابستگی اقتصادی قوه قضاییه به ارائه خدمات قضایی و افزایش شفافیت فرآیندهای دادرسی می‌تواند در این زمینه تاثیرگذار باشد. همچنین قوه قضاییه بدون آنکه به افزایش بودجه و سایر منابع نیاز داشته باشد، می‌تواند با تغییر برخی رویکردها و ساز و کارهای درونی و با اتکا به ظرفیت‌ها و توان خود، ضمانت اجرای عدالت را از طریق ارتقای توان پیشگیری و رسیدگی افزایش دهد و به نهادی با تأثیرگذاری بالا نسبت به مسائل کلان جامعه تبدیل شود.

منابع و مراجع

- ۱) برزویی، محسن (۱۳۹۹)، چالش‌های قوه قضاییه در ایفای وظایف مقرر در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حقوق و آزادی‌های فردی، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شیراز.
- ۲) فضائلی، مصطفی (۱۳۸۸)، دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین‌المللی، چ ۱، تهران: انتشارات شهردانش.
- ۳) کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چ ۵۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۴) مردانی، نادر و همکاران (۱۴۰۱)، حقوق شهروندی و آزادی‌های فردی در پرتو عملکرد دستگاه قضایی شایسته، فصلنامه تعالی حقوق، سال سیزدهم، شماره ۲.
- ۵) مسعودیان، مصطفی (۱۳۹۸)، تحلیل فقهی حقوقی شاخصه‌های عدالت قضایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال هشتم، شماره ۲۵.
- ۶) موسوی بجنوردی، سید محمد و روحانی، سمیه (۱۳۹۱)، شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) با رویکرد بر آرای امام خمینی (ره)، پژوهشنامه متین، سال چهارم، شماره ۵۴.
- ۷) ناجی، مرتضی (۱۳۸۵)، بی‌طرفی در دادرسی کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷.
- ۸) هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲)، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، چ ۲، تهران: انتشارات میزان.